

گزارش

کود، سم و بذر در انتظار ارز نیمایی

در ماه‌های اخیر، روند تأمین ارز برای واردات نهاده‌های اصلی تولید در بخش کشاورزی ازجمله کود، سموم دفع آفات و بذر و اصلاح‌شده با اختلالی کم سابقه مواجه شده است. بانک مرکزی به دلیل محدودیت منابع ارزی و سیاست‌های اولویت‌بندی در سامانه نیما، تخصیص ارز به بسیاری از ثبت‌سفارش‌های انجام‌شده از ابتدای سال را به تعویق انداخته است. به گزارش ایلنا؛ این تأخیرها در حالی رخ می‌دهد که طبق اعلام فعالان صنفی، حتی شرکت‌هایی با سابقه طولانی و مجوزهای رسمی از سازمان حفظ نباتات، ماه‌هاست در انتظار تخصیص ارز برای واردات مواد اولیه هستند. نتیجه آن، توقف خطوط تولید، تعدیل نیرو در برخی کارخانه‌ها و سهمیه‌بندی کالاهای حیاتی در بازار است. یکی از مدیران شرکت‌های تولیدکننده سموم دفع آفات در این خصوص می‌گوید: از سال ۹۹ تاکنون برای دریافت مجوز واردات مواد تکنیکال دیگر هسئیم، با وجود سرمایه‌گذاری چند ده میلیارد تومانی و آماده بودن خط تولید، سهمیه‌بندی‌های اخیر و محدودیت تخصیص ارز موجب شده بخش بزرگی از ظرفیت تولیدمان بلااستفاده بماند. وی با اشاره به اینکه تولیدکننده به دلیل مشکلات ارزی ناچار است در نقش واردکننده ظاهر شود، تأکید می‌کند: این وضعیت با شعار حمایت از تولید داخلی تناقض دارد. به گفته فعالان صنفی، حتی در نیمه اول سال جاری نیز سهمیه‌ای برای برخی شرکت‌ها صادر نشده و درخواست‌های ثبت‌شده در سامانه جامع تجارت بدون پاسخ مانده است. در پی شدت گرفتن بحران، چهار انجمن صنفی شامل انجمن تولیدکنندگان سموم دفع آفات نباتی ایران، انجمن واردکنندگان کود و سم ایران، انجمن واردکنندگان بذر اصلاح‌شده و انجمن تولیدکنندگان نهاده‌های کشاورزی در نامه‌ای رسمی خطاب به رئیس جمهور، نسبت به پیامدهای تأخیر در تخصیص ارز هشدار داده‌اند. در بخشی از این نامه آمده است: عدم تخصیص ارز به ثبت‌سفارش‌های انجام‌شده از ابتدای سال تاکنون، موجب بروز کمبود شدید نهاده‌ها در فصل زراعی پیش‌رو خواهد شد. استمرار این وضعیت خسارت‌گسترده به محصولات زراعی و باغی، کاهش محسوس عملکرد و کیفیت محصولات استراتژیک به‌ویژه گندم، و افزایش قیمت تمام‌شده کالاهای اساسی را به دنبال دارد. همچنین انجمن‌ها در ادامه با اشاره به آثار تورمی این بحران تأکید کرده‌اند که کاهش تولید و عرضه محصول در بازار، فشار مضاعفی بر معیشت مردم وارد خواهد کرد. آنان همچنین هشدار داده‌اند که تضعیف جایگاه تولید داخلی و افزایش وابستگی به واردات محصولات کشاورزی در شرایط تحریم، هزینه‌های سنگینی برای کشور در پی خواهد داشت. در بخش دیگری از نامه تصریح شده که اعمال مقررات سهمیه‌بندی، صدور دستورالعمل‌های سختگیرانه از سوی وزارت جهاد کشاورزی و کاهش اعتبار ثبت‌سفارش‌ها، موجب بی‌اعتمادی تأمین‌کنندگان خارجی برای ارسال مواد اولیه پیش از دریافت وجه شده است. انجمن‌ها از رئیس‌جمهور خواسته‌اند دستور دهد تخصیص ارز برای واردات این نهاده‌ها در زمره اولویت‌های اصلی پرداخت‌ار قرار گیرد.

لغو نمایشگاه نهاده‌های کشاورزی

در شرایطی که فعالان صنفی منتظر کشایش مسیرهای ارزی بودند، لغوبرگزاری نمایشگاه بین‌المللی نهاده‌های کشاورزی تهران در آبان ماه، شوک تازه‌ای به بازار وارد کرد. برگزارشدن این رویداد که قرار بود فرصتی برای تبادل فناوری و قراردادهای تأمین مواد اولیه باشد، به گفته کارشناسان «نشانه‌ای از عمق بحران» در این بخش است. برگزارکنندگان نمایشگاه اعلام کرده‌اند که به دلیل نبود امکان واردات نمونه کالاو محدودیت شدید در تخصیص ارز برای شرکت‌کنندگان خارجی و داخلی، برگزاری رویداد ممکن نشده است. این تصمیم در حالی گرفته شد که بسیاری از شرکت‌های فعال در حوزه کود و سموم، قراردادهای تأمین خود را بر مبنای مذاکرات نمایشگاه تنظیم کرده بودند.لغواین نمایشگاه تنها یک رویداد نمادین نیست؛ بلکه به تعبیر فعالان صنفی، «زنگ خطری جدی برای آینده امنیت غذایی کشور» است. به‌باور آنان، وقتی حتی نمایشگاهی تخصصی ازسوی نهاده‌های مرتبط برگزار نمی‌شود، یعنی زنجیره تأمین نهاده‌های کشاورزی به نقطه قفل رسیده است.

موضع وزارت جهاد کشاورزی

در پاسخ به انتقادات بخش خصوصی، مقامات وزارت جهاد کشاورزی تأکید کرده‌اند که محدودیت‌های اعمال‌شده با هدف «مدیریت منابع ارزی کشور» و «جلوگیری از واردات غیرضروری» انجام می‌شود. یکی از مدیران این وزارتخانه در نشست اخیر کارگروه نهاده‌ها گفته است: با توجه به شرایط خاص ارزی کشور، ناچار به اولویت‌بندی تخصیص ارز هستیم و واردات نهاده‌هایی که امکان تولید داخلی دارند باید مدیریت شود. اما فعالان صنفی این استدلال را تائقی می‌دانند. آنان می‌گویند سهم تولید داخلی نهاده‌ها کمتر از ۳۰ درصد نیاز واقعی است و حذف یا تعویق واردات، موجب اختلال جدی در عرضه می‌شود. از سوی دیگر، کارشناسان اقتصادی معتقدند که تمرکز بانک مرکزی بر کنترل نرخ ارز در سامانه نیما و محدود کردن تقاضا، موجب شده تخصیص ارز به بخش کشاورزی در قلم به اولویت سوم یا چهارم تبدیل شود. در همین حال، برخی گزارش‌ها حاکی است که از ابتدای سال تاکنون بیش از ۶۰ درصد از ثبت‌سفارش‌های نهاده‌های کشاورزی یا در وضعیت «در انتظار تخصیص ارز» باقی مانده است یا به دلیل انقضای اعتبار، لغو شده‌اند.

پیامدهای اقتصادی

به عقیده اکثر کارشناسان، ادامه این وضعیت در فصل زراعی پیش‌رو می‌تواند آثار قابل توجهی بر عملکرد و درآمد کشاورزان داشته باشد. کاهش دسترسی به افت‌کش‌های به‌موقع و کودهای اصلی، به‌ویژه در کشت گندم، جو و محصولات استراتژیک، می‌تواند در قلمت به‌اولویت سوم یا چهارم تبدیل شود. در همین زمینه، یکی از اعضای انجمن واردکنندگان کود و سم ایران گفته است: زمان می‌رسد که سم و کود در کشاورزی مانند زمان طلایی در پزشکی است؛ اگر به موقع نرسد، دیگر فایده‌ای ندارد. به گفته وی، بسیاری از شرکت‌ها ناچار شده‌اند کالاهای خود را سهمیه‌بندی کنند یا با قیمت‌های چندبرابری در بازار عرضه کنند. از سوی دیگر، کاهش واردات مواد اولیه منجر به افت تولید در کارخانجات داخلی شده است. برخی شرکت‌های تولیدکننده سموم اعلام کرده‌اند که به دلیل محدودیت سهمیه واردات تکنیکال، بخشی از خطوط تولید خود را متوقف و ده‌هائیزی انسانی را تعدیل کرده‌اند. کارشناسان هشدار می‌دهند: در صورت استمرار این وضعیت، کشور در سال آینده با کمبود شدید نهاده‌های کشاورزی روبه‌رو خواهد شد؛ موضوعی که نه تنها تولید داخلی را کاهش می‌دهد، بلکه وابستگی ایران به واردات مواد غذایی را افزایش می‌دهد و در شرایط تحریم، امنیت غذایی کشور را آسیب‌پذیر می‌سازد.

راهکارهای پیشنهادی

به نظر می‌رسد که بحران فعلی در تأمین نهاده‌های کشاورزی، حاصل هم‌زمانی چند عامل مهم شامل محدودیت منابع ارزی، بروکراسی پیچیده در وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفظ نباتات و نبود هماهنگی میان دستگاه‌های تصمیم‌گیر است.

«آرمان ملی» در گفت‌وگو با محمود جامساز مطرح کرد:

ناترازی بانک‌ها محصول چهار دهه خاموشی نظارت

آرمان ملی – صدیقه یهزاد پور: ابعاد گسترده فاجعه اقتصادی و اجتماعی ناشی از بحران بانک آینده چنان عمیق و فراگیر است که هنوز هم در محافل اقتصادی و اجتماعی کشور موضوع بحث و بررسی‌های گسترده قرار دارد. این پرونده نه تنها نمادی از ناکارآمدی و ضعف نظارتی در نظام بانکی ایران است، بلکه نشان‌دهنده پیامدهای تلخ سوءمدیریت و فقدان شفافیت در یکی از حساس‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور است. بانک آینده با انباشت زیان‌های هنگفت و اضافه برداشت‌های بی‌سابقه از بانک مرکزی، به یکی از عوامل اصلی تشدید بحران نقدینگی و تورم تبدیل شده و به‌طور مستقیم، رفاه و معیشت اقشار مختلف جامعه

بیماری نظام بانکی

به گزارش «آرمان ملی»، محمود جامساز تحلیلگر اقتصادی در این باره گفت: یکی از مهم‌ترین دلایل بروز رشد نقدینگی، تورم و ناترازی‌هایی که منجر به فرو افتادن کثیری از اقشار مردم در ورطه فقر و فلاکت شده، سیاست ناکارآمد بانک مرکزی غیر مستقل طی بیش از ۴ دهه در مدیریت پولی و ارزی کشور است. صرف نظر از ساختار معیوب اقتصاد سیاسی رانتی که ذاتاً مانع کارکرد نهاده‌های سیاست‌گذاری بر مبنای اصول و الزامات علم اقتصاد با هدف توسعه و تأمین رفاه و آسایش و سلامت و سطح زندگی مطلوب شهروندان است، برخی از نهاده‌های سیاست‌گذار کلیدی از جمله بانک مرکزی در تخریب و نابسامانی اقتصاد کشور پیشتاز بوده که با به سبب مصالح سیاسی و یا تحت نفوذ هسته‌های پر قدرت سیاسی، اقتصادی و... با تسامح و تساهل از تکالیف قانونی خود به‌ویژه از کنترل و نظارت بر عملکرد بانک‌ها عبور کرده است. در این راستا شورای پول و اعتبار به عنوان اصلی‌ترین سیاست‌گذار پولی و شورای عالی بانکداری نیز، وظایف قانونی نظارتی خود را به نظاره‌گری تقلیل داده، و بستر کم‌ریسک و کم‌هزینه تخلفات هزاران میلیاردی را برای بانک‌ها فراهم آورده‌اند. او افزود: هنوز تجربه تلخ و ناخوشایند مؤسسه اعتباری کاسپین که در ۱۳۹۴ با هدف سامان‌دهی همکاری تعاونی اعتباری منحل به غیر مجاز از جمله موسسه اعتباری مالی فرشتگان با ۸ هزار میلیارد تومان بدهی، تأسیس شد از پادها نرفته است، گرچه سپرده‌گذاران خرد پس از سال‌ها در دریافت اصل پول خود حمایت شدند، اما هنوز بخشی از اصل سپرده‌ها در میلیاردی تسویه نشده است. از موارد دیگر، سه موسسه مالی اعتباری قوامین، ثامن، افضل توس با بدهی‌های بسیار سنگین و تشکیل پرونده‌های قضایی در بانک سپه ادغام‌شدند که گرچه هدف از این ادغام تقویت بنیه مالی و قدرت تسهیلات‌دهی بود، اما در عمل بنا بر دلایل پنهانی، پوشش زیان و جمعیت بدهی‌ها در ساختار جدید بوده است. اگر پایش و نظارت قانونی بانک مرکزی زود هنگام انجام می‌شد قطعاً ظرفیت و موقعیتی برای کلاهبرداری، آنهم از جیب سپرده‌گذاران ضعیف فراهم نمی‌آمد. با این حال این تجربه باعث نشد که حسگرهای بانک مرکزی در برابر کلاهبرداری‌های بانکی در ابعاد وسیع‌تر حساس شود.

رشد قارچ‌گونه

جامساز ادامه داد: بانک‌های به‌ظاهر خصوصی یا زنجیره مالکیتی پیچیده‌ای که فقط یکی دو شخص آن را نمایندگی می‌کردند، یکی پس از دیگری با مجوز بانک مرکزی تأسیس شدند و در عدم نظارت قاطع بانک مرکزی به بنگاهداری پرداخته و بخش‌های بزرگی از سپرده‌های مردم را در قالب تسهیلات به پروژه‌های مشکوک بدون تضمین‌های کافی و وثایق متعارف به بنگاه‌های خودی پرداخت کردند و بر بار مطالبات معوق و سوخت‌شده افزودند و با اضافه برداشت‌های به‌ظاهر قانونی خود از بانک مرکزی، ورشکستگی خود را پنهان کردند. به این ترتیب باید نظام بانکی را عملاً مولد نقدینگی تورم‌زا دانست زیرا تسهیلات تکلیفی، بنگاهداری بانک‌ها، اضافه برداشت سستگین بانک‌ها از بانک مرکزی و ناترازی بانک‌ها، ناشی از قصور و بی‌عملی بانک مرکزی در محدود کردن بنگاهداری بانک‌ها، کنترل اضافه برداشت‌ها، وادار کردن بانک‌ها به شفاف‌سازی صورت‌های مالی و حذف دارایی‌های موهوم و مسموم از ترازنامه‌ها و ازمه مهم‌تر پایش قاطع مقررات کفایت سرمایه بوده است. کفایت سرمایه یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین شاخص‌های سلامت عملکرد هر نظام بانکی است. این شاخص نمایانگر میزان ظرفیت سرمایه بانک برای پوشش ریسک بدهی‌هاست که پائین بودن این نسبت، از بیماری و ناتوانی مالی بانک در پرداخت تعهدات خود حکایت دارد. این کارشناس توضیح داد: در یک نظام بانکداری توسعه یافته، وجود سیستم آنلاین سامانه الگوریتم هشدار سریع به بانک مرکزی، این امکان را می‌دهد که با پایش و نظارت بر عملکرد بانک‌ها، به آسانی قبل از رسیدن آنها به نقطه بحرانی، با انتخاب گزینه‌هایی همچون افزایش سرمایه اجباری، تجدید ارزیابی دارایی‌ها به‌طور واقعی و یا حتی اعدام زود هنگام و بازسازی نهادهی، از غرق شدن بانک‌ها در فساد و افلاک منابع مردمی جلوگیری کنند و از تولید نقدینگی و تورم که کاهش رفاه مردم را در پی دارند، بپرهیزند.

قصور بانک مرکزی

جامساز ادامه داد: ناتوانی بانک مرکزی در عمل به تکالیف قانونی خود سبب شد که به تعبیر توماس هابس، لویاتانی بنام بانک آینده از ادغام بانک بدهکار تات و موسسات ملی و اعتباری مشکل‌دار صالحین و آتی که



را تحت تأثیر قرار داده است، این در حالی است که فرزین رئیس بانک مرکزی اعلام کرده که فقط پنج بانک با تراز منفی و عدم کفایت سرمایه وجود دارد، در حالی که کارشناسان بر این باورند که نظام پولی و مالی کشور وضعیت مناسبی ندارد و این شرایط، رزنگ خطری جدی برای سلامت نظام پولی و مالی کشور است که نیازمند واکنش سریع، شفاف‌سازی کامل و پاسخگویی دقیق مسئولان و سهامداران عمده است تا از تکرار چنین فجایی جلوگیری شود و اعتماد عمومی به نظام بانکی بازسازی شود چرا که قطعاً مردم اصلی‌ترین خسارت دیدگان اصلی این بحران هستند.

عدم کفایت و تداوم اضافه برداشت این بانک هشدار داده و اعلام کرده بود که تهدید بالقوه برای ثبات پولی کشور است و می‌تواند پایه پولی را تا بیش از ۱۵ درصد افزایش دهد، توجه کرده بود و به تکالیف قانونی خود از جمله نظارت مؤثر بر عملکرد بانک، محدودیت شدید اضافه برداشت‌ها، الزام بانک به شفاف‌سازی بدهی‌ها و پاسخگو کردن مدیران و سهام داران، عمل می‌کرد، می‌توانست از بروز این فاجعه بزرگ، جلوگیری کند زیرا این فاجعه نه تنها بحران یک بانک است بلکه به ثبات پولی کشور صدمه زده است.

انحلال شفاهی پرابهام

او تأکید کرد: در حال حاضر، این بانک که هنوز تشریفات قانونی انحلال آن به پایان نرسیده اما به صورت شفاهی منحل اعلام و در بانک ملی که خود با کفایت سرمایه پایین‌تر از استاندارد، ناگزیر به افزایش سرمایه است، به گونه‌ای ادغام شده است و معلوم نیست بانک مرکزی چگونه و با چه مکانیسمی، بدهی‌ها، زیان‌ها و اضافه برداشت‌های بیش از ۱۲۰۰ هزار میلیارد تومانی این بانک را تسویه خواهد کرد. هرچند در بدو امر شفاف‌سازی سیاست‌های بانک مرکزی مرتبط با حل معضل به‌ویژه حمایت از حقوق سپرده‌گذاران و جبران زیان‌های انباشته، بدون افزایش پایه پولی و تورم، برای روشن شدن اذهان و بازسازی اعتماد عمومی نسبت به نظام بانکی، از اهمیت بسزایی برخوردار است، چرا که ادغام بدون شفاف‌سازی نوعی تظاهر ساختاری است نه اصلاح اقتصادی شفاف‌سازی مشخص می‌کند که وضعیت بانک آینده و نقش نهاده‌های ناظر، سهامداران عمده اشکار و نهان و تصمیمات اخیر پیرامون ادغام در بانک ملی چگونه خواهد بود. این کارشناس معتقد است: طبق آخرین برآوردها همانطور که اشاره شد زیان انباشته بانک آینده به ۴۶۵ تریلیون تومان رسیده، اگر قرار باشد در مرحله ادغام نیز همان روش تزیق پول به بانک از طریق اضافه برداشت صورت گیرد به معنای افزایش بیشتر پایه پولی، نقدینگی و تورم است. به علاوه ۵۰۰ تریلیون اضافه برداشت بانک مرکزی با احتساب ضریب فرایند ۷ تا ۸ حدود ۳۵۰۰ تا ۴۰۰۰ تریلیون تومان بر حجم نقدینگی اضافه کرده است، یعنی از ۱۱۶۵ تریلیون تومان حجم نقدینگی در پایان ۱۴۰۳ حدود ۲۵ درصد از سوی بانک آینده ایجاد شده مگر آنکه با استفاده از سیاست‌های استریلیزاسیون از جمله عملیات بازار باز، تغییر در نسبت سپرده قانونی، انتشارگواهی سپرده با اوراق بانک مرکزی بخشی از افزایش نقدینگی خنثی شده باشد، این اوصاف تزییق پول با چاپ اسکناس قاعدتاً در دستور کار نخواهد بود، بلکه از طریق تسهیلات و حمایت‌های مالی کنترل شده صورت خواهد گرفت، یعنی استفاده از خط اعتباری بانک مرکزی بصورت تزییق نقدینگی موقت برای تأمین کسری نقدینگی بانک و جلوگیری از ورشکستگی علنی، با افزایش سرمایه از محل دارایی‌های تملیکی ازجمله ایران مال و یا تسهیلات بین بانکی (Repo) یعنی استقراض کوتاه‌مدت از سایر بانک‌ها با وثیقه‌گذاری دارایی‌های بانک، اما این اقدامات گرچه فاقد اثرات سریع در افزایش پایه پولی و تورم است، نهایتاً از پول مردم یعنی سپرده‌گذاران یا منابع بانک مرکزی به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم وارد چرخه نجات بانک می‌شود، یعنی باز هم جامعه هزینه‌های سوءمدیریت و چپاول منابع را می‌پردازد، زیرا به هر حال منبع واقعی تسهیلات، پایه پولی است، لذا اگر به درستی مدیریت نشود به تورم پنهان منجر خواهد شد.

پرداخت کننده خسارات

جامساز مردم را اصلی‌ترین محل جبران خسارت بانک آینده ذکر و بیان کرد: در نهایت ظاهراً بانک ملی و یا صندوق وابسته به دولت نقش تسویه‌کننده را ایفا می‌کنند، اما در عمل از محل دارایی‌های عمومی و سپرده‌های مردم این انتقال انجام می‌شود. لذا در راستای حفظ حقوق مردم این ادغام باید با بررسی و پیگرد قضایی صورت گیرد تا تخلفات عظیمی که توسط سهامداران عمده مرتبط با هسته‌های قدرت اقتصادی سیاسی صورت گرفته بی مجازات نمانند. بدهی عظیم بانک آینده را توسط نهاده‌های بازرسی و حسابرسی‌های مستقل بدون تأثیرپذیری از نفوذ ذی‌نفعان غارت مردمی بانک آینده، می‌توان با شناسایی اموال منقول و غیر منقول در داخل و خارج کشور و جمع‌آوری آنها در صندوق بازسازی تأمین کرد، درغیر این صورت، چنانچه ادغام بدون بررسی حسابرسی مستقل و بدون تعیین تکلیف سهامداران عمده انجام شود، ممکن است حقوق سپرده‌گذاران پس از مدتی انتظار تأمین شود، اما زیان‌های گذشته بر دوش دولت و مردم آوار می‌شود و باز بین رفتن عدالت اقتصادی و پاسخگویی مدیریتی الگوی خطرناک مصونیت قضایی غارتگران اموال عمومی نهادینه خواهد شد.

در پیچه

بازار ۳۷ میلیارد دلاری کویت

مقصد جدید کالای ایرانی

بازار ۳۷ میلیارد دلاری کویت پس از ۱۳ سال وقفه و با امضای توافقات در پنج محور، می‌تواند به مقصد تازه و مهمی برای صادرات کالاهای ایرانی تبدیل شود. به گزارش مهر، کویت با جمعیتی حدود ۴.۴ میلیون نفر، سالانه بیش از ۳۷ میلیارد دلار کالا از کشورهای مختلف وارد می‌کند. مواد غذایی، مصالح ساختمانی، تجهیزات صنعتی، دارو، تجهیزات پزشکی و قطعات خودرو از جمله مهم‌ترین اقلام وارداتی این کشور به‌شمار می‌روند. نزدیکی جغرافیایی بنادر جنوبی ایران از جمله آبادان و خرمشهر به کویت و وجود مسیر زمینی از طریق شلمچه، مزیتی مهم برای توسعه صادرات ایران به این کشور محسوب می‌شود. با فعال شدن مسیرهای ترانزیتی زمینی از طریق عراق و افزایش ظرفیت حمل‌ونقل دریایی، ایران می‌تواند سهم قابل توجهی از بازار کویت را به خود اختصاص دهد. براساس برآورد کارشناسان، در صورت فراهم شدن زمینه، دستیابی به حجم دو میلیارد دلار تجارت دوجانبه میان دو کشور در آینده‌ای نزدیک هدفی واقع‌بینانه و دست‌یافتنی است. در همین راستا بررسی آمارهای تجاری نشان می‌دهد روابط اقتصادی ایران و کویت در سال‌های اخیر روندی متغیر اما رو به رشد داشته است. میزان صادرات ایران به کویت در سال ۱۲۰۰ حدود ۳.۵ میلیون تن بود که در سال ۱۴۰۱ به ۵.۵ میلیون تن افزایش یافت. در سال ۱۴۰۲ این رقم به ۴.۵ میلیون تن رسید و در سال ۱۴۰۳ نیز تاکنون حدود ۴ میلیون تن ثبت شده است. از نظر ارزش صادرات، در سال ۱۴۰۱ رشد ۲۷ درصدی نسبت به سال قبل به ثبت رسید و در سال ۱۴۰۲ با وجود صادرات حدود ۲۰۰ میلیون دلاری، رشد ۳ درصدی محقق شد. اما در سال ۱۴۰۳ ارزش صادرات ایران به کویت به حدود ۲۰۰ میلیون دلار رسیده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد ۲۳ درصدی را نشان می‌دهد.

سه محصول اصلی صادراتی ایران به کویت در این سال‌ها شامل سیمان، سنگ گچ و محصولات فولادی واسطه‌ای بوده است. در مقابل، کالاهای وارداتی ایران از کویت شامل کاواچو، محصولات سرامیکی ساختمانی، جرتقیل، مولد برق، کاغذ و مقوا می‌شود. نکته قابل توجهی این است که به گفته فعالان اقتصادی، بخشی از کالاهای ایرانی از طریق امارات به کویت صادر می‌شود و در نتیجه در آمار رسمی تجارت مستقیم میان ایران و کویت ثبت نمی‌گردد. از این‌رو، ارزش واقعی صادرات ایران به بازار کویت احتمالاً بیش از ارقام اعلام‌شده است و رقم حدود ۲۰۰ میلیون دلار بر اساس اظهارنامه‌های گمرکی رسمی محاسبه شده است. موضوع دیگر آنکه چندی پیش سیزدهمین نشست کمیته مشترک بازگشای جمهوری اسلامی ایران و کویت برگزار شد آن هم در حالی که آخرین دور کمیته مشترک بازگشای ایران و کویت در سال ۱۳۹۳ برگزار شده بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد در جریان این مذاکرات، دو طرف در پنج محور اصلی شامل تجارت و سرمایه‌گذاری، امنیت غذایی، صنعت و استاندارد، امور گمرکی و حمل‌ونقل به توافق دست یافتند. در بخش تجاری و سرمایه‌گذاری مقرر شد نمایشگاه توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۴ در کویت برگزار شود و هیئت‌هایی از فعالان اقتصادی کویت برای بازدید از نمایشگاه‌ها و مذاکره با بخش خصوصی ایران به کشور سفر کنند. همچنین توسعه سرمایه‌گذاری‌های مشترک و رفع موانع تجاری از دیگر محورهای این بخش بوده. حوزه امنیت غذایی، که از اولویت‌های اصلی طرف کوبیتی به‌شمار می‌رفت، موضوعاتی مانند تأمین پایدار کالاهای اساسی، سرمایه‌گذاری مشترک در بخش کشاورزی، انتقال فناوری و آموزش نیروی انسانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. پیش‌نویس یادداشت تفاهمی نیز در این زمینه تهیه شده تا پس از بررسی کارشناسی، به امضای مقامات دو کشور برسد. در بخش صنعت و استاندارد، دو طرف در هماهنگی در استاندارد‌های ملی، تسریع در تدوین برنامه اجرایی مشترک و تسهیل مبادله کالاهای دارای گواهی استاندارد توافق کردند. همکاری‌های صنعتی، صادرات ماشین‌آلات و انتقال فناوری از دیگر محورهای این بخش بود. در حوزه گمرک نیز اجرای کامل موافقتنامه همکاری‌های گمرکی و تهیه برنامه اجرایی مشترک مورد تأکید قرار گرفت. همچنین پیگیری توافقنامه‌های «حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری» و «اجتناب از اخذ مالیات مضاعف» در دستور کار دو کشور قرار گرفت. یکی از موضوعات مهم مطرح‌شده در نشست، گسترش مسیرهای حمل‌ونقل میان ایران و کویت بود. در بخش دریایی، مقرر شد کارگروهی مشترک میان سازمان بنادر ایران و طرف کوبیتی برای رفع مشکلات فنی شناورها و ملوانان ایرانی تشکیل شود. در بخش زمینی نیز امکان ترانزیت کالا از مسیر شلمچه–صفوان–عبدلی مورد بررسی قرار گرفت که در صورت اجرایی شدن، می‌تواند مسیر جدیدی برای حمل کالا میان دو کشور ایجاد کند. در حوزه هوایی نیز افزایش پروازهای مستقیم میان ایران و کویت و تقویت خط کشتیرانی بین بندر خرمشهر و بندر الاحمدی در کویت توافق قرار گرفت تا جبران رفت‌وآمد تجاری و مسافری میان دو کشور تسهیل شود.